

جایگاه ارتباطات میان فردی از دیدگاه سعدی

دکتر علی نجفی^۱

علیرضا آتش زر^۲

چکیده

بررسی افکار و آثار سعدی شیرازی از منظر رفتارگرایی اجتماعی و اخلاق اجتماعی می‌تواند به بسیاری از الگوهای اخلاقی جامعه‌ی ایرانی کمک بکند. زیرا سعدی شیرازی به عنوان شاعر و نیز به عنوان جامعه‌شناس و معلم اخلاق می‌تواند بسیاری از رفتارهایی که امروزه در جوامع انسانی به غلط الگو قرار داده می‌شوند را بهبود بخشیده و الگوی مناسبی را متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی جلوه دهد. آثار سعدی به ویژه بوستان و گلستان او از نظر رفتارهای مناسب اجتماعی و پندهایی که سعدی هریک را تجربه نموده ایت اهمیت ویژه ای دارد. در این پژوهش ما تلاش کردیم رفتارگرایی اجتماعی مناسب فرهنگ ایرانی را در آثار شیخ اجل واکاوی کنیم. زیرا در جامعه‌ی امروزی رواج الگوهای نامناسب و غرب زده فرهنگ اصیل ایرانی را مورد تجاوز قرار داده است. در این تحقیق به سولاتی مانند: الگوی رفتاری مناسب سعدی کدام است؟ آیا سعدی فقط در ایران به عنوان معلم اخلاق شناخته شده است یا خیر؟ مولفه‌های رفتارگرایی اجتماعی سعدی چه رفتارهایی می‌باشد؟ در این پژوهش ابتدا نظریه‌های مختلفی در مورد رفتارگرایی اجتماعی بیان و بررسی شده است. سپس دلایل بررسی رفتارگرایی در آثار سعدی بیان شده است و سعدی شیرازی و افکار تعلیمی او به مختصر معرفی شده است. پس از مراحل مذکور رفتارگرایی اجتماعی مناسب از منظر سعدی تعریف شده است و مولفه‌های آن واکاوی شده و برای هریک از آثار سعدی شاهد مثال‌هایی ذکر نموده ایم همانند: عدالت، صداقت، عقل و خرد، غرور و تعصب، تعلیم و تربیت در خانواده، ارزش انسانیت، علم و عمل، همسرگزینی و طلاق‌گریزی، ایثار، گذشت، جوانی و هم نوع دوستی.

واژگان کلیدی: ارتباطات میان فردی، ارتباطات اجتماعی، تربیت، سعدی، جامعه

^۱ - استادیار و هیات علمی دانشگاه فرهنگیان شهید مقصودی همدان

^۲ - دانشجوی کارشناسی دبیری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شهید مقصودی همدان

مقدمه

در روزگاران پیشین بزرگان و اندیشمندان نظیر: سعدی، خواجه نصیرالدین، جامی، ارسطو و سقراط در مورد مفهوم تعلیم و تربیت و اخلاق و رفتارگرایی سخن به میان آورده اند و نظرات ارزشمندی در این باره بیان کرده اند با این حال این پژوهش بر آن است که رفتارگرایی و اخلاق در عرصه ی فرهنگی و اجتماعی از منظر سعدی، این شاعر اندیشمند و انسان گرای سده ی هفتم مورد بررسی و تأمل قرار دهد.

سعدی به گواهی آثارش، خاصه گلستان و بوستان بیش از هر شاعر و سخنوری در زمینه مسائل تربیتی از قبیل: رفتارگرایی و اخلاق اندیشیده و نظرات اخلاقی و رفتاری روشنی در عرصه ی فرهنگی و اجتماعی در کسوت تمثیل ها و داستان ها و حکایات بسیار رسا، شیوا و جذاب و روشن بیان داشته است. به گونه ای که در هر حکایت و داستان در دو اثر خود پند و پیامی ارزشمند نهفته است.

سعدی همزمان با "توماس اکونیا" (۱۲۲۷-۱۲۷۴م) مسیحی زندگی میکرده، اگرچه افکار این مسیحی نسبت به روزگار خود مترقی تر و انسان گرا تر بود و به عنوان مربی اخلاق و تعلیم و تربیت مشهور بود، اما سعدی را بسیار آزاده تر و اخلاق گرایانه تر از او می بینیم. شاید بتوان نام این شاعر پر آوازه ی ایران را در صدر صحیفه ی آزاد مردان جهان امروز و همه ی جهان ها قرار داد.

وقتی آثار مریبان بزرگ تعلیم و تربیت را که جهانی شده اند مورد تأمل و بررسی قرار می دهیم. جایگاه سعدی را به عنوان یک مربی تعلیم و تربیت اگر بالاتر از آن ها نبینیم، پایین تر از آن ها هم نمی بینیم یک بررسی، مقایسه ی این ادعا را ثابت می کند. بی گمان سعدی از سر ذوق یا برای اثبات شاعری خویش اشعار خود را چنین دقیق و پر معنا و ظریف بیان نموده بلکه به ارزش رفتار و اخلاق در اجتماع اهمیتی بسیار قایل بوده است. ابیات زیر از سعدی حاکی از ارج نهادن به مقام والای انسانیت در جامعه برای اثبات صحت این مدعا بسنده است:

بنی آدم اعضای یک دیگرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار
سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۷۹

که در آفرینش ز یک گوهرند
دگر عضوها را نماند قرار

از سویی دیگر شخصیت سعدی در جامعه نگر بودن وی خلاصه می شود. دو بعد مهم شخصیتی او، یکی عاشقانه زیستن است و دیگری معلم پیشگی. سعدی " همه عمر سر از قمار مستی " بر نداشته است و " به جان خرم " ازوست. او در مجالس و همچنین آثار خود مریدان و مخاطبان را درس زندگی و عشق تعلیم می داد. تمام این ویژگی ها از سعدی انسانی جامعه نگر می سازد تا آنجا که می توان گفت شخصیت واقعی سعدی اجتماعی بودن آن است. گویی رسالت اجتماعی او و نظارتش بر اجتماع ذاتی اوست چنان که خود اذعان می دارد:

خوی سعدی است نصیحت چه کند گر نکند
مشک دارد نتواند که کند پنهانش
سعدی، غزلیات، ۱۳۹۶: ۳۷

این صفات در کنار زمانه ی وی و اندوخته های سفرهای بسیار، او را تبدیل به فرزانه ای مجرب، دنیا دیده و مردم شناس کرده است. به همین سبب او در مورد اصلاح و درمان جامعه ی روان خود بر می آید. از طرفی نیز سعدی ندای

وجدان جامعه‌ی عصر خود می‌شود. از نظر وی چون همه چیز از جامعه تأثیر می‌پذیرد انسان نیز باید در خدمت جامعه باشد.

بنابراین دو رکن مهم و اساسی در آثار سعدی یعنی "رفتارگرایی" و "جامعه و فرهنگ" باید به صورت دقیق موشکافی شده و مورد بررسی قرار گیرند. از این رو ما با توجه به ضرورت موضوعات مذکور به بحث رفتارگرایی فرهنگی و اجتماعی از نظر سعدی شیرازی خواهیم پرداخت.

در روزگاری که همگان به دور از دنیای حقیقی و جامعه به سر می‌بلند پرداختن به موضوعاتی از این قبیل می‌تواند کمک شایانی به جوامع بشری جهت بهبود روابط انسانی بکند زیرا بزرگانی همانند سعدی شیرازی برای ما ایرانیان سرمشق و الگو هست و خواهد بود.

بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت که یکی از ارکان بسیار تأثیرگذار بر روی زندگی هرفردی جامعه و محیطی است که آن فرد در آن زندگی کرده و با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. بدون شک جامعه‌ای که همگان در آن نقش دارند دارای خصوصیت‌هایی می‌باشد و هر فردی برایش حضور در آن جامعه باید نسبت بدان خصایص شناخت پیدا کند. یکی از خصوصیت‌های جوامع رفتار اجتماعی و اخلاق مناسب اعضای آن می‌باشد. در این میان این سوال پیش می‌آید که هر فردی که وارد جامعه می‌شود باید چگونه رفتار کند؟ ملاک و معیار رفتار او با اعضای دیگر جامعه چیست؟ آیا رفتار همگان در جامعه را رفتار اجتماعی اطلاق می‌کنند؟ در این پژوهش سعی شده است که علاوه بر معرفی و آشنایی با رفتار اجتماعی از مناظر مختلف، این مقوله را از دیدگاه سعدی شیرازی که یکی از شاعران و سخنوران ادبیات فارسی در زمینه‌های اجتماعی می‌باشد، مورد بررسی قرار دهیم.

با این اوصاف باید گفت که ضرورت انجام این تحقیق در آن است که با توجه به اینکه در جامعه امروزی هویت فرهنگی و اجتماعی ما مورد خطر قرار گرفته و از هر سو مورد هجوم و نفوذ رسانه‌ها و عوامل موثر می‌باشد لازم و ضروری به نظر می‌رسد که برای حفظ اصل و نسب فرهنگ و تمدن خود، ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل ملی خود را در سخنان بزرگان تأثیرگذاری چون سعدی شیرازی بررسی نموده و آن‌ها را برای نسل جدید شرح دهیم تا به نوبت خود در حفظ فرهنگ اصیل ایرانی خود گامی نهاده و از انهدام این فرهنگ و جامعه‌ی نامدار جلوگیری کنیم. بنابراین در پژوهش حاضر، ابتدا مفاهیم ارتباطات، رفتار و اخلاق اجتماعی از مناظر مختلفی چون قرآن، نهج البلاغه، روانشناسی و... مورد بررسی قرار گرفته است. سپس این مولفه را در تمامی آثار به نظم و نثر شیخ اجل بررسی کرده و مصادیق آن از قبیل: صداقت، ریاکاری، سودجویی، همکاری، مشورت و... را مورد واکاوی قرار داده ایم.

اخلاق از منظر قرآن

«قرآن کریم به مسئله اخلاق چنان بها می‌دهد که آن را جزو اهداف اصیل نبوت عام می‌شمارد و زندگی انسان‌ها را در سایه‌ی اخلاق، زندگی سعادت‌مند می‌شمرد و انسانی را که متعلق به اخلاق الهی نیست، خاسر و سرمایه‌باخته می‌داند. خداوند در سوره‌ی عصر قسم یاد می‌کند که نوع انسان‌ها به استثنای گروه خاص در خسارتند "وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ..." (قرآن کریم، سوره عصر: ۸۲۴) پس اهمیت و عظمت اخلاق و رفتار و تهذیب روح، به آن جهت است که انسان متخلق و مهذب سود همیشگی می‌برد.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۴۶ و ۱۴۷)

ارزش های اخلاقی و رفتاری از نظر نهج البلاغه

امیرالمؤمنین (ع) جهت یادآوری ارزش های اخلاقی آن ها را در نهج البلاغه به شرح زیر بیان می کند: «ای بندگان خدا آن کس که نسبت به خود خیرخواهی او بیشتر است، در برابر خدا، از همه کس فرمانبردارتر است و آن کس که خویشتن را بیشتر می فریبد نزد خدا گناه کار ترین انسان هاست. زیانکار واقعی کسی است که خود را بفریبد و آن کس مورد غبطه است و بر او رشک می برند که دین او سالم باشد. سعادت مند کسی است که از زندگی دیگران عبرت آموزد و شقاوتمند کسی است که فریب هوا و هوس ها را بخورد. آگاه باشید ریا کاری و تظاهر هرچند اندک باشد شرک است و همنشینی با هوا پرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان را حاضر می کند از دروغ برکنار باشید که با ایمان فاصله دارد. راستگو در راه نجات و بزرگواری است اما دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است. حسد نوریذ که حسد ایمان را چونان آتشی که هیزم را خاکستر کند نابد می سازد و با یکدیگر دشمنی و کینه توزی نداشته باشید که نابد کننده ی هر چیزی است.» (نهج البلاغه، ۱۳۹۶: ۱۰۳)

رفتارگرایی از نظر روانشناسی

« اصطلاح رفتارگرایی به مکتبی از روانشناسی اشاره دارد که توسط "جان بی واتسون" بر اساس این باور که رفتارها را می توان اندازه گیری، آموزش و تغییر داد پایه گذاری شده است. رفتارگرایی با انتشار مقاله کلاسیک واتسون تحت عنوان " روانشناسی از دیدگاه رفتارگرایی " پایه گذاری شد. واتسون معتقد بود که هشیاری را تنها با درون نگری می توان مورد مطالعه قرار داد ، ولی درون نگری ابزار ناکارآمدی است چون نمی توان هشیاری را به دقت و به شیوه ی صحیح مورد مطالعه قرار داد و بهتر است که اصلا آن را مطالعه نکنیم بنابراین روانشناسی موضوعی که می توان آن را به خوبی اندازه گیری کرد، رفتار است.» (سیاسی، ۱۳۹۷: ۲۴۳)

رفتارگرایی فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروزی

در جامعه امروزی، بشر در محاصره ی فرهنگ مجازی و دهکده ای قرار دارد و پیشرفت تکنولوژی و فناوری توجه بشر را به واقعیت های اصیل زندگی روز به روز کاهش می دهد و مشغول خود می دارد. همانطوری که می دانیم امروزه انسان ها تأثیر زیادی از محیط خود دریافت می کنند و در واقع عوامل محیطی قسمت عمده ای از شخصیت انسان را می سازند بنابراین به دلیل محدود شدن و به خصوص مجازی و غیر قابل حقیقی شدن امور در دنیای این روزها ، الگوها و ارزش های آن ها نیز متناسب با تغییرات متفاوت تر می شود و به نوعی با پیشرفت علم و فناوری درصد انسان گرایی پایین تر آمده و آن ها نیز به موضوعاتی مانند اخلاق و رفتار اهمیت چندانی نمی دهند، همچنین با وجود فضای مجازی برای اشتراک نظرات و تبادل ایده ها، مردم جامعه ی حقیقی خود را کم کم به دست فراموشی می سپارند و جامعه برای آن ها محدود به جامعه ی الکترونیکی می شود به همین دلیل بزرگانی مانند سعدی و مولانا که در طول تاریخ ایرانیان تأثیرگذار در عرصه ی تعلیمی و اخلاقی و رفتاری بوده اند باید مورد توجه ویژه ای قرار بگیرند تا ارزش هایی همانند: آزادی ،

خیرخواهی، نوع دو سستی، وطن دو سستی، عدالت، صداقت، پاکدامنی، محبت و سایر ارزش های اخلاقی که مورد تأکید این بزرگان هستند در جامعه ی امروزی نیز رواج پیدا کرده و فرهنگ انسانی و رفتار متعارف از جامعه خارج نشود.

ارتباطات اجتماعی از نظر سعدی

در میان شاعران و نویسندگان نامی ایران، سعدی تنها کسی است که در هر دو عرصه شعر و نثر، با توانمندی شگفت آور خویش، آثاری بی‌همانند آفریده است، به گونه‌ای که شعر او به شیوایی نثر و نثر او به زیبایی شعر در بالاترین جایگاه هنری قرار گرفته است.

حضور همیشگی سعدی در میان مردم و آمیزش او با گروه‌های مختلف اجتماع، به گونه‌ای روشن، سخن او را عمومی کرده است. از همین رو می‌توان او را سخنگوی صادق مردم دانست. در بررسی دو آثار ارزشمند سعدی شیرازی یعنی بوستان و گلستان به مسایل اجتماعی مختلفی بر می‌خوریم از قبیل: شکرگزاری، قناعت، معرفت، ظاهر گریزی، اجتناب از ریا کاری، توجه به همکاری، تاکید بر مشورت، خدمت به خلق، سخن چینی، تاثیر همنشین و محیط، دوری از غرور، عقل و خرد، ساده زیستی، هنر و... به نظر می‌رسد سعدی خود در زمان زندگی خویش علاوه بر شاعری، جامعه شناس چیره دستی نیز بوده است و از کوچک ترین مسایل جامعه شناسی گرفته تا بحث های کلی آن هارا بیان می‌کند و سخن را به شعر بیان می‌کند.

جامعه پذیری فرایندی است که انسان شیوه های زندگی در جامعه را می‌آموزد و به او شخصیت می‌دهد و تواناییهایش را در جهت ایفای وظایف فردی به عنوان عضو جامعه توسعه می‌بخشد در بحث جامعه پذیری نباید اهمیت سرشت و پرورش را در رشد جسمانی، عقلانی، اجتماعی و شخصیتی نادیده گرفت. «سرشت» اصطلاحی است برای ساخت ژنتیکی انسان یا وراثت بیولوژیکی او به کار می‌رود. «پرورش» به محیط و تجربه های متقابلی که هر فرد در زندگی خود به دست می‌آورد اشاره می‌کند، میان دانشمندان همواره این بحث وجود داشته است که وراثت (سرشت و یا محیط (پرورش) کدامیک اهمیت بیشتری دارند و کدامیک بر رشد انسان مؤثرترند.

اندیشه های سعدی را درباره سرشت انسان و پرورش اجتماعی می‌توان در باب اول (در سیرت پادشاهان) و باب هفتم (در تأثیر تربیت) گلستان و در باب هفتم (در عالم تربیت) بوستان یافت.

سعدی از جمله مریبان بزرگ اجتماعی است که پرورش و آموزش را از لوازم ذاتی و امور حیاتی و اساس سعادات و نیک بختیهای افراد و اعضای جامعه می‌داند سعدی تربیت را تا آنجا برای افراد جامعه لازم بلکه واجب می‌داند که می‌فرماید. (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷)

سعدی دارای ویژگی های اخلاقی نیک است که در آسمان تاریک زمان خود، مثل ستاره ای درخشان در آسمان علم و ادب می‌درخشید و تا امروز که نزدیک به هشت صد سال از عمر او می‌گذرد، هنوز نام او در ذهن آیندگان روشن مانده و اشعار انسان دوستانه او بر سر در سازمان ملل نوشته شده است:

بنی آدم اعضای یک دیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بیغمی	نشاید که نامت نهند آدمی

(سعدی، ۱۳۹۶ گلستان: ۷۹-۸۰)

مؤلفه های اخلاق اجتماعی تأثیر سرشت (توارث) در تربیت

سعدی نقش توارث و استعداد ذاتی را در تربیت چنان مهم دانسته که جنس ناقابل را تربیت پذیر نمی داند: (یونسکو، جلد ۱، ۱۳۶۶: ۴۵)

یکی از وزرا پسری کودن بود: پیش یکی از دانشمندان فرستاد که مرا این را تربیتی می کن مگر عاقل شود. روزگار
تعلیم کردش و مؤثر نبود. پیش پدرش کس فرستاد که این عاقل نمی شود و مرا دیوانه کرد.

چون بود اصل گوهری قابل	هیچ صیقل نکو نداند کرد
سگ به دریای هفتگانه بشوی	خر عیسی گرش به مگه برند
تربیت در او اثر باشد	آهنی که به گوهری باشد
که چو تر شد پلیدتر باشد	چون بیاید هنوز خر باشد

(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۴۳۴)

عدالت

سعدی عدالت را آن قدر مهم می داند که اولین باب بوستان خود را که طولانی ترین باب هم است، به آن اختصاص داده است. او در باب عدل آرزو می کند که در آینده در جهان، عدل بر پا شود و دیگر نشانی از ستم نباشد. او در همه داستان های این باب، توصیه به رعایت عدالت می کند؛ همان عدالتی که آینده روشن بشریت در عمل کردن به آن شکل می گیرد. این ابیات نمونه ای از عدالت جویی سعدی است.

الا تا نیچی سراز عدل و رأی	که مردم ز دست نیچند پای
گریزد رعیت ز بیدادگر	کند نام زشتش به گیتی سمر

(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۵۰)

آینده نگری

سعدی، آینده روشن انسانها و جهان را در گرو عمل کردن به اخلاق نیک و فضایل انسانی می داند. مصداق آینده روشن و مدینه فاضله سعدی در کتاب بوستان او به چشم می خورد، زیرا بوستان کتابی است که درباره همه خوبی ها از قبیل عدل و احسان و عشق و تربیت و توبه، در آن بحث شده و عمل کردن به توصیه هایی که در بوستان آمده، باعث در امان ماندن مردم از ظلم و روشن شدن آینده آن ها می شود.

همانطور که گفتیم در این کتاب ارزشمند به مسئله عدالت که از مهم ترین مباحث در موضوع انتظار و ظهور است، اشاره شده است. سعدی آینده همه انسان ها را در نوع کار و پیشرفت آن ها می داند. مثلاً آینده روشن قاضی را در درست حکم کردن و آینده روشن عالم را در عمل کردن به علمش می داند و در گلستان می گوید:

علم چندان که بیشتر خوانی
چون عمل در تو نیست نادانی
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۵۱۸)

هم چنین آینده روشن پادشاه را در ظلم نکردن و آینده انسان قدرت مند را در احسان و بخشش می داند، زیرا همین عمل باعث می شود فقیری در جامعه پیدا نشود:

خواهی که مُمتع شوی از دنیا و عقبی
با خلق کرم کن، چو خدا با تو کرم کرد
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۵۱۶)

قناعت

در اخبار دینی و سخنان بزرگان، ستایش های فراوانی از قناعت شده است. قناعت، در چند صفت پسندیده مانند بسنده کردن به مقدار کم از مال دنیا، درخواست نکردن و صبر بر تنگ دستی، ترک حرص و فزون خواهی ریشه دارد که هر یک، فضیلتی عالی و مایه کمال برای آدمی است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «عزت مؤمن، در بی نیازی اش از مردم است و آزادگی و عزت، در قناعت نهفته است.» قناعت، نقطه مقابل حرص است. اگر انسان خود را به زیور قناعت بیاراید، نیکی های درونش فزونی می یابد و اگر از آن بی بهره بماند، به لغزش های فراوانی دچار خواهد شد.

شاعر بزرگ، شیخ مصلح الدین سعدی درباره قناعت چنین می سراید:

دلا گر قناعت به دست آوری
در اقلیم راحت، کنی سروری
اگر تنگ دستی، ز سختی منال
که پیش خردمند، هیچ است مال
ندارد خردمند از فقر عار
که باشد نبی را ز فقر افتخار
غنی را ز سیم و زر آرایش است
ولیکن فقیر اندر آسایش است
قناعت به هر حال اولی تر است
قناعت کند هر که نیک اختر است
ز نور قناعت برافروز جان
اگر داری از نیک بختی نشان
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۲۸۸)

جوانی

دو نعمت است که قدر و قیمت آن را نمی شناسد، مگر کسی که آن را از دست بدهد: یکی جوانی و دیگری تن درستی و عافیت.

شیخ اجل سعدی، در باب جوانی و خجستگی و ارزش مندی آن، نکته ها و سروده های بسیاری دارند، چنان که در زمینه بهره گیری در روزگار جوانی گفته است:

جوانا، ره طاعت امروز گیر
که فردا، جوانی نیاید ز پیر

فراغ دلت هست و نیروی تن
قضا، روزگاری ز من در رُبود
من آن روز را قدر نشناختم
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۷۷۲)

چو میدان فراخ دست، گوئی بزن
که هر روزی از وی، شبی قدر بود
بدانستم اکنون که درِ باختم

خانواده از دیدگاه سعدی

خانواده در تاریخ به عنوان یک نهاد اجتماعی همواره مطرح بوده است و در بین سایر نهادهای اجتماعی، نهاد خانواده ریشه دارترین و پابرجاترین نهاد می باشد خانواده کانون محبتی است که در آن زندگی زنا شویی شکل می گیرد و در آن کودکان پرورش یافته و ارزشهای اجتماعی را فرا می گیرند . سعدی در آثار خود به خانواده اهمیت زیادی داده و به آن پرداخته است.

سعدی در بوستان ابتدا فرد را تشویق به تشکیل زندگی می کند و «شاهد بازی» را نشانه هوس بازی است مایه خرابی می داند و مرد را تشویق به زن گرفتن می نماید و می گوید:

خرابت کند شاهد خانه کن
نشاید هوس باختن با گلی
چو خود را به هر مجلسی شمع کرد
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۶۸۳)

برو خانه آباد گردان به زن
که هر گه بامدادش بود بلبلی
تو دیگر چو پروانه گردش مگرد

همسرگزینی

سعدی به چگونگی همسرگزینی و به شرایطی که برای زن لازم است اشارتها کرده است . شگفت آنکه در بوستان و گلستان از صفات و شرایط مرد کمتر سخن رفته است و این خود نشانه رسم « پدر سالاری » در دوران سعدی است که « مرد » را با مردی و مردانگی بی نیاز از بیان شرایط خاص شمرده و تنها به اشاراتی در ضمن حکایات بسنده کرده است اما در مورد زن و همسر تصریح به شرایط خاص نموده است. (یونسکو جلد ۱، ۱۳۶۶: ۱۰۰)

سعدی به سازگاری و عشق و محبت بین زن و شوهر و نیز پارسایی و غمخواری زن تأکید بسیار دارد و می گوید: (ستوده
۱۳۸۱: ۱۴۱)

زن خوب فرمانبر پارسا
برو پنج نوبت بزن بر درت
همه روز اگر غم خوری غم مدار
که را خانه آباد و همخوابه دوست
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۶۷۱)

کند مرد درویش را پادشا
چو یاری موافق بود در برت
چو شب غمگساری بود در کنار
خدا را به رحمت نظر سوی اوست

ناسازگاری زن و مرد

سعدی در زندگی به زن و شوهر صبوری را سفارش می‌کند و همچنین توصیه می‌کند که آنها در روزهای خوشی زندگی با هم هستند در روزهای سختی نیز در کنار هم باشند.

جوانی زناسازگاری جفت
گران باری از دست این خصم چیز
به پیرمردی بنالید و گفت
چنان می‌بدم کآسیا سنگ زیر
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۶۷۸)

سعدی از قول پیرمردی جهان دیده با ظرافت خاص راه در مان را بدین صورت می‌نماید و او را تسلی می‌دهد: (یونسکو، ۱۳۶۶: ۱۰۴)

به سختی بنه گفتش: ای خواجه دل
به شب سنگ بالای ای خانه سوز
کس از صبر کردن نگردد خجل
چرا سنگ زیرین نباشی به روز
چواز گلبنی دیده باشی خوشی
درختی که پیوسته بارش خوری
روا باشد در خارش کشی
تحمل کن آنکه که خارش کشی
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۶۷۸)

عقل و خرد

سعدی، عقل و خرد را پدیده‌ای بس ارزش مند و لازم می‌شمارد. به عقیده او، در نهاد آدمی، خیر و شر و نور و ظلمت با هم است و تنها در سایه درایت و تدبیر و بهره‌گیری خرد پویاست که می‌توان بر بدی‌ها و ظلمت چیره شد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در فضیلت عقل فرمود: «همه خیرات، به وسیله عقل به دست می‌آید». (مجلسی، ج ۱: ۸۴)

سعدی در این باره می‌گوید:

وجود تو شهری است پر نیک و بد
رضا و ورع، نیک نامان حُرّ
تو سلطان و دستور دانا، خرد
هو و هوس، رهن و کید پر
تو را شهوت و حرص و کین و حسد
هو و هوس را نماند ستیز
چو خون در رگ‌انند و جان در جسد
چو بینند سرپنجه عقل تیز
هم از دست دشمن ریاست نکرد
رئییسی که دشمن سیاست نکرد
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۶۲۷-۶۲۸)

اهل غرور و عجب

سعدی برای آشکار کردن خودپسندی برخی از اهل عبادت به عمل خویش و زبان گشودن ایشان به طعن و توبیخ دیگران، در گلستان همیشه بهارش می‌گوید:

«یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبد بودم و شب خیز و زاهد و پرهیزکار. شبی در خدمت پدر رحمت الله علیه نشسته بودم و همه شب چشم بر هم نگذاشتم و با قرآن مأنوس بودم. عده‌ای گرد ما خفته بودند، به پدر گفتم: یکی از اینان

سربرنمی دارد تا مناجات و نمازی به جا آورد، چنان خواب غفلت بر آنان چیره شده که گویی مرده اند. پدر گفت: تو نیز اگر بختی، به از آنکه در پوستین خلق افتی.» (سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۱۵۴-۱۵۵)

نبیند مدعی جز خویشتن را
گرت چشم خدایینی ببخشند
که دارد پرده پندار در پیش
نبینی هیچ کس عاجزتر از خویش
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۱۵۶)

چگونگی تربیت (فرزندان)

سعدی اعتقاد دارد که باید به تربیت طفل از اوان تولد ضمن رشد و پرورش او توجه شود. زندگی طفل را مرهون تربیت او می داند و طفل بی تربیت را زنده نمی انگارد. سعدی به تربیت طفل در خردی و طفولیت قائل و معتقد است:

هر که در خردیش ادب نکنند
در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب تر را چنان که خواهی پیچ
نشود خشک جز به آتش راست
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۴۳۹)

چو خواهی که نامت بماند به جای
پسر را خردمندی آموز و رای
که گر تهل و رأیش نباشد بسی
بمیری واز تو نماند کسی
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۶۷۹)

تنبیه و پاداش در تربیت

بطور خلاصه نظر سعدی در بوستان درباره تربیت چنین است: باید فرزندان را به خردمندی و پرهیزگاری پرورند و در تعلیمشان تشویق بیش از توبیخ و تهدید بگردند. در عین حال ناز پرورده بار نیاورند. همواره پدر و مادر ناظر احوال و رفتارشان باشند و نیز راه کسب معشیت را به آنان آموخت که به شرافت زندگانی کنند و محتاج نشوند. در ارتباط با تنبیه گاهی به معلمان توصیه می شود که هم سختگیری باشند و هم مهربان اما گفته نمی شود که تا چه حد سختگیر بود و تا چه حد مهربان، خلاصه اینکه گفته می شود هم سخت گیر باشد و هم مهربان و معلم باید در امر آموزش و پرورش طفل، نرمی و درشتی را به هم در آمیزد:

هر آن طفل کوجور آموزگار
پسر را نکو دار و راحت رسان
نبیند جفا بیند از روزگار
که چشمش نماند به دست کسان
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۶۸۰)

استاد معلم چو بود بی آزار
بر سر لوح بنشسته به زر
خرسک بازند کودکان در بازار
جور استاد به مهر پور
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۴۴۲)

تأثیر هم نشین و محیط

سعدی، هم نشین و محیط هم نشینی را دو عامل اثرگذار بر اخلاق و رفتار آدمی می‌داند و در گلستان خویش، بارها این نکته را یادآور شده است. از آن جمله بیت های معروف زیر است:

رسید از دست محبوبی به دستم	گلی خوش بوی در حمام روزی
که از بوی دلاویز تو مستم	بدو گفتم که مشکى یا عیبری
ولیکن مدتی با گل نشستم	بگفتا من گلی ناچیز بودم
وگر نه من همان خاکم که هستم	کمال هم نشین در من اثر کرد

(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۱۶)

سعدی و پرهیز از ظاهر بینی

ظاهر بینی معمولاً سبب قضاوت اشتباه درباره دیگران می‌شود. بسیاری از انسان ها با اعتماد به ظاهر دیگران، شخصیت آنان را پیش بینی می‌کنند و بدین ترتیب برخی را کم سواد و برخی را باسواد، بعضی را ارزش مند و بعضی دیگر را کم ارزش می‌انگارند. سعدی در این باره حکایت می‌کند:

«ملک زاده ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادران، بلند و خوب روی. پدر به کراهت و تحقیر با او رفتار می‌کرد، اما پسر بسیار زیرک و آگاه بود. روزی به پدر گفت: ای پدر، کوتاه خردمند، به که نادان بلند؛ نه هر چه به قامت مهتر، به قیمت بهتر.

گفت باری به ابلهی فربه	آن شنیدی که لاغری دانا
همچنان از طویله ای خر به	اسب تازی اگر ضعیف بود

(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۵۳)

پدر بخندید و ارکان دولت پسندیدند و برادران به جان برنجیدند.» (سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۳)

از نظر سعدی معیار قضاوت درباره دیگران باید رفتار و درون مایه های آنان باشد، نه امور ظاهری و بی ارزش.

دورویی و ریاکاری

سعدی حکایت می‌کند:

«زاهدی مهمان پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند، کمتر از آن خورد که عادت او بود و چون به نماز برخاستند، بیش از آن کرد که خواست او بود تا ظن شایستگی در حق او زیادت کنند. چون به منزل خویش آمد، سفره خواست تا تناولی کند. پسری صاحب هوش داشت. گفت: ای پدر، در مجلس سلطان طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم، که به کار آید. پسر گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.» (سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

عیب ها بر گرفته زیر بغل	ای هنرها گرفته بر کف دست
روز در ماندگی به سیم دغل	تا چه خواهی خریدن ای مغرور

(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۱۵۴)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است: «خداوند، عمل بنده ای را که ذره ای ریا در آن باشد، نمی‌پذیرد.» (ورام، ۱۳۸۰: ۱۸۷)

رابطه علم و عمل

سعدی در امر دانش آموزی از سوی، عمل و تجربه اندوژی از سوی دیگر متوجه یک اصل بسیار مهم است و آن علم همراه عمل است و به اصطلاح خود شاعر در موضوع « علم و عمل » نه تنها جدایی این دو را نمی پذیرد و عالم بی عمل را زنبور بی عسل می داند، بلکه علم بی عمل را، اساساً، علم نمی شمارند:

« دو کس رنج بیهوده بردند سعی بی فایده کردند: یکی آنکه گرد آورد و نخورد، و دیگر آنکه علم آموخت و عمل نکرد. » (سعدی، گلستان، ۱۳۹۶، ۵۱۸)

علم چندانکه بیشتر خوانی	چون عمل در تو نیست نادانی
نه محق بود نه دانشمند	چار پایی بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر	که بر او هیزم است دفتر
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۵۱۹)	
سعدیا گرچه سخندان و مصالح گوئی	به عمل کار آیی به سخندانی نیست
(سعدی، قصاید، ۱۳۹۶: ۷)	

سخن چینی

سخن چینی، از خصلت های ناپسندی است که دوستی افراد را از میان می برد و نفرت و تفرقه و دشمنی را جای گزین می کند. دین مقدس اسلام نیز این صفت رذیله را به شدت نکوهش می کند، چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «بدترین شما، سخن چینیان و تفرقه اندازان میان دوستان هستند». (کلینی، جلد ۲، ۱۳۹۳: ۳۶۹)

سعدی، شاعر سخن دان هم در کلام خود، این عمل را نکوهیده می داند و فرد سخن چین را هیزم آور میدان معرفی می کند و می گوید:

میان دو کس جنگ، چون آتش است	سخن چین بدبخت، هیزم کش است
کنند این و آن خوش دگر باره دل	وی اندر میان، کوربخت و خجل
میان دو تن، آتش افروختن	نه عقل است و خود، در میان سوختن
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۵۲۴-۵۲۵)	

سخن چینی به حکم آنکه از بین برنده دو سستی ها و پدید آورنده دشمنی ها است، از شمار صفات ناپسند و زشت است. حدیثی از امام سجاد علیه السلام می خوانیم: «خدایا مرا بر بندگی خود رام کن و عبادتم را به سبب خود پسندی تباه مساز.» (ورام، ۱۳۸۰: ۳۱۱)

دغدغه خدمت به خلق

انسان های بزرگ همواره در اندیشه دیگرانند و دل در گرو خدمت به مردم می نهند. سعدی شیرازی، از جمله این بزرگان است که هم خویش را به این صفت آراست و هم دیگران را به این خیر بزرگ فراخوانده است.

وی که سال ها جهت کسب حکمت و تجربه، تلخی سفر را تحمل کرد و به تعبیر خودش، «تا دورترین نقاط جهان نیز به پیش رفت»، نخستین مسئله ای که پس از آن سفر پرمايه، ذهنش را به خود مشغول ساخت، خدمت به مردم بوده است تا بر ایشان تحفه هایی از علم و معنویت به ارمغان آورد و کام آنان را با سخنانی شیرین تر از قند حلاوت بخشید، چنان که خود، این گونه سروده است:

دریغ آمدم ز آن همه بوستان	تهی دست رفتن سوی دوستان
به دل گفتم از مصر، قند آورم	بر دوستان ارمغانی برم
مرا گر تهی بود از آن قند، دست	سخن های شیرین تر از قند هست
نه قندی که مردم به صورت خورند	که ارباب معنی به کاغذ برند

(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۲۵)

اهتمام و عنایت سعدی به مردم، تا آن جا است که حاضر می شود، «چون عود، در آتش اندیشه بسوزد»، تا در نتیجه، عطر دلآویز خدمت را در میان آدمیان پراکند و روحشان را بدین وسیله بنوازد:

سعیم این است که در آتش اندیشه چو عود
خویشتن سوخته ام تا به جهان بو برود

(سعدی، غزلیات، ۱۳۹۶: ۲۸)

انسانیت و انسان دوستی در نظر سعدی

سعدی در قلمرو انسان دوستی و خاطر به مصالح انسانها و مهم شمردن خدمت خلق بیشتر و بیشتر از انسان گریان باختر زمین گام برداشته است. به بیان سعدی یک قرن پیش از پتراک که به اعتبار نیای انسان گریان باختر زمین شمرده می شود به مسائل انسانی و مصالح انسانها پرداخته است و مقام وارج آدمیت را به شیوای و رسایی بیان کرده است که شاید کمتر انسانی مطلع از ادبیات فارسی باشد که آنها را نشنیده باشد: (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۵۱)

تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

(سعدی، غزلیات، ۱۳۹۶: ۱۸)

این مضمون را در جای دیگر از سعدی نیز می بینیم:

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
ای برادر سیرت زیبا بیار

(سعدی، قصاید، ۱۳۹۶: ۲۸)

زیبایی و شرف انسانی مربوط به جان اوست که از مبدا و کمال به وجود آمده و می تواند به سوی کمال حرکت کند.

اگر آدمی به چشم است دهان گوش و بینی
چه میان نقش دیوارو میان آدمیت

(سعدی، غزلیات، ۱۳۹۶: ۱۸)

اگر نباشد انسانیت انسان به همین اعضای ظاهری و جسمانی بوده باشد لایستی تابلو هایی که صورتهایی مافوق زیبا در آن می کشند انسان تر بوده باشند در میان تاریخ زیبا مانند نرون وجود داشته است. (یونسکو جلد ۱، ۱۳۶۶: ۲۸۴)

سعدی در اشعار خود چنان به مسائل انسانی و مصالح انسانها پرداخته است که هنوز هم در هرجا و هر محفل و کنگره ای سخنی از انسان و همبستگی انداموار بشریت در میان باشد این گفته سعدی سر لوحه و مقدمه کار و گفتار آن مجلس و آن جمع خواهد بود:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز مهنت دیگران بی غمی
نه شاید که نامت نهند آدمی
(سعدی، ۱۳۹۶ گلستان: ۷۹-۸۰)

سعدی در تجلیل از سان و به دست آوردن دل دردمندان تا آنجا پیش رفت که در نظرش تسخیر جهان در مقابل فتح دلها بس ناچیز خرد جلوه نمود: (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۵۱-۱۵۲)

دنیا نیرزد آنکه پریشان کنی دلی
زنهار بد مکن که نکرده است و عاقلی
(سعدی، قصاید، ۱۳۹۶: ۵۹)

خلوص نیت و اعتقاد راستین سعدی به انسان دوستی و ممنوع خواهی آنجا تجلی می کند که می گوید: حتی دشمنان را نیز نباید آزرده خاطر ساخت چه رسد به دوستان.

مثال: دزدی به خانه پارسایی در آمد چنانکه جست چیزی نیافت، دلتنگ شد. پارسا خبر شد، گلیمی که بر آن خفته بود، در راه دزد انداخت تا محروم نشود. (ستوده، ۱۳۸۱: ۱۳۶)

شنیدم که مردان راه خدای
دل دشمنان را نکردند تنگ
تراکی میسر شود این مقام
که با دوستان خدا فست و جنگ
(سعدی، گلستان، ۱۳۹۶: ۱۴۶)

سعدی، از سان دوستی و نکته بینی را تا بدان جا می رساند که می گوید: در برابر طفل یتیم بر سر فرزند خود نباید بوسه زد:

چوبینی یتیمی سر افکنده پیش
مده بوسه بر فرزند خویش
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۲۵۴)

همیاری و معاضدت و مقدم داشتن راحت دیگران به راحت خویش، مدام در سخنان سعدی خواه به نظم و خواه به نثر تکرار می شود: (ترابی ۱۳۷۶، ص ۱۵۲)

خنک آنکه آسایش مردو زن
گزیده بر آسایش خویش
نکردند رغبت هنر پروران
به شادی خویش از غم دیگران
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۱۲۴)

و یا:

عجب دارم از خواب آن سنگ دل
که خلقی بخشبند از او تنگدل
(سعدی، بوستان، ۱۳۹۶: ۱۴۲)

دل دوستان جمع بهتر از گنج
خزیند تهی به که مردم به رنج
گرفتم کز افتادگان نیستی
چو افتاده بینی چرا ایستی؟

نتیجه گیری

بررسی رفتارگرایی های اجتماعی و اخلاق در جامعه ی امروزی اهمیت بسزایی دارد زیرا کمبود این مولفه ها در زندگی هر شخصی در روزگار امروزه به خوبی مشخص شده و می تواند باعث اختلال روابط اجتماعی در اجتماع شود. مشکلی که امروزه کم با آن مواجه نیستیم و اکثر خانواده های ایرانی با مواجه هستند. که بیشتر دارای الگوهای رفتاری نامناسبی مانند الگوهای رفتاری غرب و سرزمین هایی که از نظر فرهنگ و اعتقادات با ما همسان نیستند. یکی از افرادی که در طول تاریخ الگوی مناسب رفتارگرایی اجتماعی را ارائه داده است سعدی شیرازی است. او که از شاعران نامدار تاریخ ایران است در آثار خود به ویژه بوستان و گلستان خود به مسایل اجتماعی می پردازد و بیشتر از هر چیزی به فرهنگ و اجتماع خود پرداخته است. در این تحقیق ابتدا رفتارگرایی اجتماعی از دیدگاه های مختلفی مانند قران و نهج البلاغه و روانشناسی بررسی شد و آنچه از رفتارگرایی اجتماعی تعریف شد آن است که الگوهای رفتاری مناسب با فرهنگ و عرف و اعتقادات برای رفتار با مردم جامعه به نوعی که بتوان آن را رفتار مطلوب گفت. بعد از بررسی رفتارگرایی اجتماعی در آثار سعدی مولفه های رفتارگرایی اجتماعی مانند صداقت، عدالت، نوع دوستی، غرور و تعصب، حرص و طمع، خانواده و اهمیت آن، تربیت در خانواده، ازدواج و طلاق، انسانیت، خدمت به خلق، سخن چینی، رابطه علم و عمل، دورویی و ریا، تاثیر هم نشین و محیط، تاثیر پاداش و تنبیه، عقل و خرد، همسرگزینی و... بیان شد و برای هر یک از مولفه ها مثالی از آثار سعدی بیان شد و همراه با آن از آثار مرتبط دیگر نیز مثالی بیان شد. با واکاوی در آثار سعدی مشخص گردید که در فرهنگ دینی و ایرانی هر شخص یا هر خانواده ای دارای مولفه های مذکور به طور عملی باشد دارای رفتار اجتماعی و اخلاق مناسب با اجتماع می باشند. امید است با معرفی رفتار اجتماعی مناسب از نظر مشاهیر بزرگی چون سعدی شیرازی مردم عزیز ایران از این الگوها استقبال کنند و بتوانیم با رعایت چنین مسایلی به جامعه ی ایده آل تبدیل شویم.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- انوری، حسن / گزیده غزلیات سعدی، چاپ اول، نشر قطره، (۱۳۷۱)، تهران
- ترابی، علی اکبر / جامعه شناسی در ادبیات، چاپ اول، نشر فروغ آزادی، (۱۳۸۵) تبریز
- جوادی آملی، عبدالله / مبادی اخلاق در قرآن، نشر اسراء، (۱۳۹۵) تهران
- جباری نی تپه، علی اصغر / جزوه درسی جامعه شناسی در ادبیات فارسی، نشر آزادشهر دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۸۲)، آزاد شهر
- دشتی، علی / قلمرو سعدی، چاپ چهارم، نشر وزارت فرهنگ و هنر، (۱۳۶۱)، تهران
- زرین کوب، عبدالحسین، سعدی شاعر و معلم اخلاق، مرکز سعدی شناسی (۱۳۸۹) تهران
- زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حله، چاپ هشتم، انتشارات علمی، (۱۳۷۳)، تهران
- ستوده، هدایت الله، جامعه شناسی در ادبیات فارسی، چاپ دوم، انتشارات آوای نور، (۱۳۸۱)، تهران
- سعدی شیرازی، مصلح الدین، بوستان به تصحیح خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، (۱۳۹۶)، تهران
- سعدی شیرازی، مصلح الدین، گلستان به تصحیح خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، (۱۳۹۶)، تهران
- سیاسی، علی اکبر، مکاتب روانشناسی، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۹۷)، تهران
- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ پنجم، جلد ۳/۱، انتشارات فردوسی، (۱۳۸۱)، تهران
- فروغی، محمد علی، کلیات سعدی، چاپ هشتم، نشر محمد، (۱۳۸۷)، تهران
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار مصصح محمد باقر محمودی، نشر دار احیاء، (۱۳۹۳)، نجف
- ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، نشر دارالصعب، (۱۳۸۰)، تهران
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ترجمه حسین استادولی، نشر دارالتقلین، (۱۳۹۳)، قم
- یزدانی، زینب - لیلا، میری، شرح زندگانی شاعران بزرگ، جلد دوم، چاپ اول، نشر تیرگان، (۱۳۸۱)، تهران
- یونسکو، ذکر جمیل سعدی، جلد اول، دوم، سوم، چاپ دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، (۱۳۶۶)، تهران